گزارش

پشت پرده منابع مالی مؤسسه مصاف ایرانیان به روایت گزارش هیئت تحقیق و تفحص مجلس

مؤسسه خیریه چگونه یک شبه حزب سیاسی شد؟

در نتیجه‌گیری گزارش هیئت تحقیق و تفحص مجلس از بانک‌ها به این موضوع مهم اشاره شده که مؤسسه مصاف نوعی پول‌شویی از حساب‌های حقوقی خود انجام داده است. مشرق در گزارشی که دیروز منتشر کرده، به جزئیات حساب‌های مصاف و نبود شفافیت مالی رائفی‌پور پرداخته است. در این گزارش آمده است که مؤسسه مصاف در سال‌های گذشته معروف به انجام فعالیت‌های تبلیغی بوده و حتی برای ترویج تفکراتش مدرسه‌ای نیز راه انداخته بود، اما در یک سال گذشته پا را فراتر گذاشته و سعی کرد با تکیه بر قدرت مالی و تبلیغات سنگین رسانه‌ای از فرصت به‌دست‌آمده به‌خوبی استفاده کرده و تبدیل به یک «حزب سیاسی» شود. براساس استخراج انجام‌شده از این مؤسسه نزدیک ۱۴ میلیارد تومان به حساب امیرحسین رائفی‌پور (برادر علی‌اکبر رائفی‌پور) واریز شده است. در صورت‌های مالی، خواهر رائفی‌پور نیز از این تراکنش‌های مبهم و مشکوک داشته و مبالغی به حساب این شخص نیز واریز شده است. همچنین افرادی دیگر نیز نام‌شان در میان فهرست واریزی‌ها و برداشتی‌های مصاف وجود دارد که در فضای مجازی فعال بوده و هرکدام به نوعی با مؤسسه مصاف و شخص رائفی‌پور ارتباط دارند. بررسی تحقیق و تفحص مجلس و گزارش آن به دادستانی نتایج جالب توجهی دارد، در این گزارش قید شده است که مؤسسه مصاف ایرانیان در چندین بانک صادرات و ملی دارای حساب بوده و تحت عنوان جمع‌آوری نذورات و هدایا افتتاح حساب شده است. البته این مؤسسه حساب دیگری نیز با عنوان پویش میعاد مهر مهدوی نیز در بانک رسالت و حساب دیگری در بانک پاسارگاد در اختیار داشته که اطلاعات آن در گزارش تحقیق و تفحص مجلس درج نشده است. این حساب‌ها اغلب به نام مؤسسه مصاف، شخص علی‌اکبر رائفی‌پور یا برادر و خواهر رائفی‌پور افتتاح شده است. بررسی حساب‌های این مؤسسه نتایج شگفت‌انگیزی دارد. در یک نگاه ابتدایی مشخص می‌شود که شخص علی‌اکبر رائفی‌پور گردش بالای بانکی خاصی نداشته و تنها ۶۶ میلیون تومان در یکی از حساب‌هایش موجودی دارد اما بررسی شماره حساب مربوط به خواهر رئیس مصاف (ندا رائفی‌پور) حکایت از آن دارد که نزدیک به یک میلیارد موجودی داشته و حتی پدر رائفی‌پور هم در یکی از حساب‌هایش نزدیک به یک‌میلیاردو ۶۰۰ میلیون تومان موجودی حساب دارد! همچنین براساس گزارش ارائه‌شده به دادستانی تهران مؤسسه مصاف چهار حساب رسمی نیز در سه بانک صادرات، ملی و سپه داشته که با درج عنوان جمع‌آوری نذورات و هدایا افتتاح شده است. بررسی تراکنش‌های مؤسسه مصاف در شماره حساب بانک صادرات تحت عنوان نذورات مردمی نزدیک به ۵۰ میلیارد تومان جمع‌آوری شده اما برخلاف اساسنامه مؤسسات خیریه محل هزینه‌کرد آن هیچ‌گاه اعلام نشده است. بررسی واریزی‌های مصاف نیز در این گزارش نکات تأمل‌برانگیزی دارد، ازجمله آنکه نزدیک به ۴۸ نفر به صورت شبکه‌ای مبالغی بیش از حدود صد میلیون تومان به بالا به حساب مصاف در بانک صادرات پول واریز کرده‌اند که تعداد آنها به ۴۸ نفر می‌رسد. این افراد درمجموع هشت‌میلیاردو ۵۰۰ میلیون تومان به حساب مصافی‌ها پول ریخته‌اند. همچنین در همین بازه زمانی ۳۰ میلیارد تومان نیز به حساب مصاف در بانک ملی پول واریز شده است. اما در برابر واریزی‌ها به حساب مصافی‌ها، برداشت از حساب‌های آن نیز نکات مهمی در خود دارد. طبق گزارش هیئت تحقیق و تفحص مجلس از بانک‌ها، نزدیک به ۹۲ نفر بیش از صد میلیون تومان از حساب مصاف برداشت کرده‌اند (به حساب آنها واریز شده) که این عدد در مجموع به ۳۷ میلیارد تومان می‌رسد! در گزارش تحقیق و تفحص مجلس از دریافتی‌هایی که به صورت عرفی از مصاف برداشت کرده‌اند، مانند مواردی مثل حقوق و دستمزد صرف‌نظر شده است، همچنین نسبت‌های خانوادگی نیز جداسازی شده است. بررسی حساب‌های مؤسسه مصاف و نیز گزارش هیئت تحقیق و تفحص از بانک‌ها از مؤسسه مصاف یک نام درخورتوجه دارد. به نظر می‌رسد که امیرحسین رائفی‌پور برادر رئیس مصاف چهره اصلی در حساب‌وکتاب‌های این مؤسسه محسوب می‌شود. امیرحسین رائفی‌پور عضو هیئت‌مدیره مصاف بوده و به وکالت از علی‌اکبر رائفی‌پور (برادرش) صاحب حساب اصلی این مؤسسه است. درحالی‌که مبالغ واریزی به حساب مؤسسه مصاف فقط باید صرف امور خیریه شود و امکان استفاده شخصی از آن وجود ندارد، اما بررسی دقیق تراکنش‌های متعلق به مؤسسه مصاف نادرست‌بودن این ماجرا را مشخص می‌کند. براساس اسناد ارائه‌شده به دادستانی تهران و درج‌شده در پیوست گزارش مجلس برخی افراد خاص که (نزدیک به هشت نفر) تراکنش‌های مشکوکی با مؤسسه مصاف داشته و در یک فقره ۱.۴ میلیارد تومان از حساب مصاف به حساب شخصی منتقل شده است. اما آنچه برای گروه تحقیق و تفحص جالب بوده، آن است که همین هشت نفر مجددا در تراکنش‌های حساب متعلق به امیرحسین رائفی‌پور نیز حضور داشته و از مبالغی مانند یک تا ۲.۷ میلیارد تومان به حساب او واریز کرده‌اند. در این گزارش قید شده است که نزدیک به ۱۴ میلیارد تومان به حساب امیرحسین رائفی‌پور منتقل شده که تنها ۵۰۰ میلیون آن مستقیم از حساب مؤسسه مصاف بوده که احتمالا این مبلغ ناچیز صرف پرداخت حقوق و دستمزد و امور اداری شده است، همچنین چهارهزارو ۹۰۰ تراکنش نیز از حساب برادر رئیس مصاف به دیگر حساب‌ها انجام شده است این معدل بالای جابه‌جایی علائمی خاص در خود دارد و حکایت از جابه‌جایی مداوم مبالغ در حساب‌های متعدد دارد تا تحلیل حسابرسی را سخت کند.

خروج ۸ میلیارد تومان از حساب مصاف به صورت نقدی!

در نتیجه‌گیری گزارش هیئت تحقیق و تفحص از مصاف به این موضوع مهم اشاره شده است که نوعی پول‌شویی از حساب‌های حقوقی مصاف که همان هدایا و نذورات مردمی بوده، به حساب شخصی امیرحسین رائفی‌پور انجام شده است و برادر مدیر مصاف تنها واسطه این جابه‌جایی‌هاست! مؤسسه مصاف ایرانیان در حالی حدود ۵۰ میلیارد تومان دریافتی تحت عنوان هدایا و نذورات داشته که تاکنون علی‌اکبر رائفی‌پور گزارش دقیقی (جز ویدئوی منتشرشده در فضای مجازی) درباره آن نداده و به عبارتی اسناد حسابرسی آن منتشر نشده و تنها بیش از چند خط پیام اینترنتی نبوده است. این در حالی است که دریافتی مؤسسه مصاف سرمایه شخصی یا خانوادگی مؤسسان آن نبوده بلکه متعلق به مردم و منابع عمومی است و باید تحت نظارت مرجع صادرکننده مجوز مؤسسه استفاده شود و رعایت قوانین پول‌شویی در آن الزامی است.

هدایا و نذورات بدون اجازه صاحبان نذر در چند حساب شخصی جابه‌جا شده

درحالی‌که بررسی حساب‌های مؤسسه مصاف نشان می‌دهد که مبالغ واریزی مردمی که به‌عنوان هدایا و نذورات به دست مؤسسان آن رسیده، بدون اجازه صاحبان نذر در چند حساب شخصی جابه‌جا شده، بدون آنکه منبع مخارج آن مشخص شود. از نگاه هیئت تحقیق و تفحص مجلس از بانک‌ها این تبادلات شائبه نوعی پول‌شویی را برجسته می‌کند. به‌عنوان نمونه در یک فقره هشت میلیارد تومان از حساب مؤسسه مصاف به صورت نقدی از بانک دریافت شده و به حساب امیرحسین رائفی‌پور نشسته است و مشخص نیست پس‌ازآن در اختیار چه افرادی قرار گرفته یا آنکه صرف چه اموری شده است! تأکید مکرر هیئت تحقیق و تفحص از بانک‌ها درباره حساب‌های مؤسسه مصاف روی یک نکته تمرکز اساسی دارد، در این گزارش در چندین نوبت قید شده است که جابه‌جایی‌های مکرر انجام‌شده از حساب‌های حقوقی به شخصی شائبه پول‌شویی دارد. رائفی‌پور در طول کارزار انتخاباتی خود اعلام کرده بود که کمتر از یک میلیارد تومان خرج تبلیغات انتخاباتی خود در همه کشور کرده است. در همان زمان برخی آگاهان معتقد بودند که این عدد با واقعیت فاصله فراوان دارد، تبدیل مؤسسه مصاف به یک حزب سیاسی مبهم و عبور از اساسنامه توجه بسیاری را در نهادهای مختلف به خود جلب کرده است. مصاف در مصادف‌شدن با حوادث سیاسی مورد توجه قرار دارد، تنها مسیر پیش‌روی آنها در این آوردگاه، شفافیت است!

قوه قضائیه به دنبال «ایجاد رویه واحد در رسیدگی به جرائم سیاسی» در سند تحول است

متهمان سیاسی از محاکم امنیتی رها خواهند شد؟

حمیدرضا به‌گذر: با گسترش جوامع بشری و وجود عملکرد مختلف افراد در جوامع مختلف و از دید جامعه‌شناسی باید اذعان کرد هرچه جامعه ما گسترده‌تر شود، یقینا گستره افعال آحاد جامعه نیز گسترده‌تر خواهد شد. همچنین زمانی که یک سیستم حکمرانی نقشی اساسی در تبیین عملکرد جامعه دارد، باید پذیرفت اشخاصی وجود داشته باشند که با روش‌ها و متدهای اجرائی حکمرانی مخالفت کنند؛ به صورتی که با انگیزه‌ای شرافتمندانه همراه بوده و اهداف‌شان اصلاح امور کشور باشد. اما در برخی موارد ما شاهد هستیم انتقادها و اعتراض‌ها از حالت مسالمت‌آمیز خارج و به آشوب کشیده می‌شود که در همین مورد باید به تفکیک بین جرم سیاسی و جرم امنیتی پرداخته شود؛ زیرا با پیشبرد سند تحول و ایجاد رویه واحد و برخورد با تخلفات احتمالی قضات در برخوردهای سلیقه‌ای‌شان درخصوص این جرم، به اعمال و اجرائی‌کردن یکی از قوانین تحت عنوان قانون جرائم سیاسی بپردازیم. بنابراین در توضیح باید گفت این قانون در تمامی جوامع حقوقی و قوانین جاری کشورها پذیرفته شده است. البته باید متذکر شد که این قانون در کشور ما نیز چندین سال است به تصویب قانون‌گذار رسیده. در ادامه باید گفت ابتدا به تعریف اصل جرم سیاسی خواهیم پرداخت و توضیح خواهیم داد چه راهکارهایی در ایجاد رویه واحد کمک خواهد کرد. لذا به کارهایی که اشخاص بدون قصد اخلال در امور حکمرانی و درصدد اصلاح امور کشور انجام می‌دهند، جرم سیاسی گفته می‌شود که متأسفانه بعضا در محاکم دادگستری به این قانون به دلایل مختلف عمل نمی‌شود و به این علت که تشخیص سیاسی‌بودن یا سیاسی‌نبودن جرم با قضات رسیدگی‌کننده به پرونده است، این دست جرائم ذیل قانون و نحوه رسیدگی جرائم سیاسی قرار نمی‌گیرند. به صورتی که اگر به آمارهای دستگاه قضائی نیز توجه شود، مشاهده خواهد شد که میزان رسیدگی و تشکیل این قبیل دادگاه‌ها در سراسر کشور بسیار پایین‌تر از حد تصور است. در راستای پیشبرد سند تحول قوه قضائیه، دومین مانع اجرای مأموریت احیای حقوق عامه، عدم گسترش عدل و آزادی‌های مشروع است. در سند تحول به «محدودکردن سلیقه‌ای برخی از آزادی‌های مشروع» توجه شده است. پنج عامل ایجاد مانع که در سند تحول بیان شده‌اند، عبارت‌اند از «ضمانت ناکافی صیانت از آزادی‌های مشروع»، «ابهام در قواعد حاکم بر برگزاری تجمعات»، «حمایت ناکافی از آزادی بیان»، «تضییع حقوق برخی از متهمان» و «کم‌توجهی به اجرای قانون جرم سیاسی». مسیر اصلی که برای رفع مشکل کم‌توجهی به اجرای قانون جرم سیاسی در سند تحول در نظر گرفته شده است، «ایجاد رویه واحد در رسیدگی به جرائم سیاسی» است.

در همین رابطه، هوشنگ پوربابایی به «شرق» می‌گوید: جرم سیاسی در قانون اساسی مشروطه هم توسط قانون‌گذار تصویب شده بود و زمان مشروطه نیز قانون از آن صحبت کرده بود. به صورتی که این قانون تا زمان انقلاب وجود داشت و بعد از انقلاب هم قانون‌گذار مجددا اقدام به تصویب همان قانون قبلی کرد. همچنین در سال ۹۵ قانون‌گذار قانون جرائم سیاسی را به صورت جسته‌وگریخته و نابسامان تعریف کرد. باید این را اضافه کرد که در جرم سیاسی یک انگیزه شرافتمندانه وجود دارد و فرد سیاسی بدون قصد اخلال در امور حکومت، درصدد اصلاح امور کشور است. اما اساسا چه در قانون اساسی مشروطه، چه در قانون اساسی فعلی و چه در قانون جرائم سیاسی، این مشکل به صورت مبنایی حل نشده و همچنان ادامه دارد. لازم به ذکر است که مواد ۱ و ۲ قانون جرائم سیاسی تعریف کامل و جامعی را به عمل نیاورده‌اند. همچنین بهتر بود قانون‌گذار قبل از تصویب این قانون به صورت تطبیقی، قوانین دیگر کشورها را بررسی می‌کرد و دستاوردها و نتایج این روش قانون‌گذاری را در کشورهای دیگر یادداشت می‌کرد و پس از انجام مطالعات این را به صورت طرح در اختیار مرکز پژوهش‌ها می‌گذاشت که شامل استادان و متخصصان حقوقی و جامعه‌شناسی است تا بتوانند قانونی جامع را تصویب کنند. الان در واقع در قانون جرائم سیاسی مواردی را اشاره کرده‌اند که در کتاب پنجم تعزیرات به صراحت به آنها اشاره شده و جرم‌انگاری نیز شده‌اند؛ مانند افترا و نشر اکاذیب که این موارد را در قانون مذکور جزئی از قانون جرائم سیاسی تلقی کرده‌اند. اما یک تعریف درست، این است که یک فرد منتقد باید این جرم را با هدف دلسوزانه انجام بدهد و این بحث در تعریف کلی که قانون‌گذار به آن پرداخته است، وجود ندارد. کماکان قانون جرم سیاسی را ترغیب می‌کنیم، ولی دو مشکل اساسی وجود دارد؛ نمی‌دانیم چه مجرمانی را تحت پوشش این قانون قرار دهیم و مشکل دوم این است که در جرم سیاسی باید هیئت منصفه سیاسی قرار دهیم و نه هیئت منصفه مطبوعاتی؛ زیرا این جرم سیاسی است و افرادی که در علوم سیاست متبحر هستند، می‌توانند نسبت به آن اظهارنظر کنند. بحث مهم دیگر این است امتیازاتی را که قانون‌گذار برای این جرم برشمرده، واقعا به مجرمان سیاسی بدهند. باید بین جرائم سیاسی و امنیتی قائل به تفکیک باشیم؛ زیرا بین این دو جرم واقعا مشکل داریم. اگر واقعا بخواهیم به جرائم رسیدگی کنیم، متوجه می‌شویم واقعا ممکن است برخی جرائم افراد محکوم، جرم سیاسی باشد و هیچ‌کدام از این امتیازات را برای آن فرد در نظر نگرفته باشند. ما به ندرت و به تعداد انگشتان دست هم نداریم افرادی را که مجرم سیاسی شناخته شوند و با هیئت منصفه دادگاه آنها برگزار شده باشد و دارای وکیل آزاد باشند و از سایر شرایط جرم سیاسی و امتیازات برخوردار باشند. در سند تحول هم که یک سند بالادستی است، اگر قانون‌گذار به صورت جدی قانون خاصی را با آیین‌نامه خاص تصویب نکند و شمول این افراد و مصادیق جرم سیاسی را تعیین نکند، هرچه سند بالادستی و قانون بنویسیم، باز هم در عمل خیلی از این افراد را تحت عنوان جرم امنیتی محکوم می‌کنند. اگر قانون‌گذار واقعا به این جزئیات و مسائل اهتمام داشته باشد و قوه قضائیه مجتمع قضائی ویژه‌ای مثل سایر مجتمع‌های تخصصی در مورد جرائم سیاسی تشکیل بدهد و هیئت منصفه خاص داشته باشد و رسانه‌ها حق انتشار آزاد مطالب را درخصوص این قبیل دادگاه‌ها داشته باشند، آن موقع است که ما این قانون را اجرائی کرده‌ایم. قابل ذکر است که عملا تاکنون چند مورد خاص دادگاه جرائم سیاسی تشکیل شده که آن هم به صورت ناقص بوده و اگر فکر و چاره‌ای برای این دادگاه‌ها در سند تحول اندیشیده نشود، همچنان این نواقص وجود داشته و افرادی را که جرم سیاسی دارند، با این قبیل تفاسیر به اتهامات امنیتی محاکمه و آنها را از تمام ارفاقات و امتیازات قانونی محروم می‌کنند. در همین زمینه باید به این پرسش پاسخ داد که چه لزومی دارد قانون جرائم سیاسی وجود داشته باشد، درحالی‌که اجرا نمی‌شود؟!

دراین‌باره بابک پاک‌نیا، وکیل دادگستری، به «شرق» می‌گوید: عملا این قانون که دارای ایرادهای مهمی نیز هست، اجرا نمی‌شود. البته باید گفت بزرگ‌ترین ایراد هم همین عدم اجرای قانون است که متأسفانه در ایران به آن عمل نمی‌شود. دلیل عدم اجرای قانون این است که مقامات قضائی طوری جرائم را تفسیر می‌کنند که ذیل جرائم امنیتی قرار می‌گیرد، به دادگاه انقلاب می‌رود و عملا توجهی به اصل قانون نمی‌کنند. به صورتی که در مورد خانم فائزه هاشمی، ما تمام اسناد و مدارک دال بر سیاسی‌بودن جرم را به دادگاه ارائه کردیم، ولی دادگاه تفسیر خودش را داشت. اما اگر نظارت و بازرسی در محاکم انقلاب بهتر اعمال شود، آنجا تشخیص و در آنجا بررسی شود که تشخیص قاضی اشتباه بوده و این امر موجب این شده که پرونده به جای آنکه در دادگاه کیفری یک رسیدگی شود، به دادگاه انقلاب برود، در آنجا برای آن قاضی تخلف انتظامی محسوب شود، در اینجا مانع گذاشته شده است؛ مانعی که دیگر قضات با حساسیت‌های دوچندان اقدام به صدور حکم می‌کنند و در رسیدگی خود صلاحیت‌داشتن یا صلاحیت‌نداشتن را ابتدا بررسی و سپس اقدام به تشکیل جلسه رسیدگی می‌کنند. این قانون با تمام نواقصی که دارد، اگر نظارت درستی بر اجرای همین قانون ناقص داشته باشند و برخورد مناسبی با تفسیرهای سلیقه‌ای صورت گیرد، ممکن است دیگر شاهد این نوع برخوردها نباشیم.

عباس تدین ادامه داد: بر اساس یک تقسیم‌بندی بین علمای حقوق، جرائم به دو دسته سیاسی و عمومی تقسیم می‌شوند. مفهوم جرم سیاسی مورد توافق اکثر حقوق‌دانان و جوامع حقوقی بوده و هم‌اکنون نیز درباره گستره آن اختلاف‌نظر هست. به صورت کلی عوامل متعددی در جرائم سیاسی دخیل هستند؛ ازجمله دیدگاه حکومت‌ها، اعتقادات و قوانین هر کشوری وجود دارد و ارشادهای بین‌المللی نیز راه به جایی نمی‌برد.

در کشور ما قانون جرائم سیاسی به علت تفاسیری که نسبت به آنها وجود دارد، اجرا نمی‌شود؛ زیرا برخی قضات تمایل دارند پرونده را در دادگاه‌های انقلاب رسیدگی کنند و تفسیر خود را از جرائم سیاسی به سوی جرم امنیتی ببرند. درصورتی‌که این پرونده می‌تواند به دادگاه کیفری یک برود، اما با این اتفاق درگیر تفاسیر سلیقه‌ای در دادگاه انقلاب می‌شود و حکم این پرونده نیز در چنین فضایی صادر می‌شود. در همین رابطه باید تأکید کرد که اگر قوه قضائیه نظارت کافی به این قبیل جرائم و محاکم انقلاب داشته باشد، دیگر قضات نمی‌توانند برخورد سلیقه‌ای کنند و آن‌گونه که علاقه‌مند هستند قانون را تفسیر و صدور حکم کنند. همان‌گونه که در گفتار فوق مطرح شد، در ایجاد رویه واحد در جرائم سیاسی باید قضات از برخوردهای سلیقه‌ای اجتناب کرده و با رعایت کامل قانون جرائم سیاسی که قانون جامعی هم نیست، سعی در اصلاح این رویه کنند؛ زیرا با تفسیرهایی که از قانون می‌کنند، عملا دادگاه‌ها متهم و مجرم سیاسی نخواهند داشت و تمامی موارد در دادگاه انقلاب و تحت عنوان جرم امنیتی رسیدگی خواهد شد. به نظر می‌رسد قوه قضائیه در گام دوم سند تحول قصد دارد از این قبیل برخوردها کاسته و با ایجاد رویه‌ای واحد بین تمام قضات برای احیای حقوق عامه و برخورداری مجرمان سیاسی از امتیازات قانونی تلاش کند. در همین زمینه، به نظر می‌رسد باید قانون جرائم سیاسی نیز بازنگری شود و مواردی ازجمله هیئت منصفه را از سیاسیون و افرادی که از علم سیاست آگاهی کامل دارند، تشکیل بدهند تا در نهایت در جرائم سیاسی از هیئت منصفه سیاسی استفاده شود. همچنین با تعریف کامل و جامع از جرم سیاسی و تعریف تخلف انتظامی در همین قانون برای قضات، در جهت جلوگیری از تفاسیر سلیقه‌ای، این قبیل موارد را در قانون جرائم سیاسی اضافه کنند.

در راستای پیشبرد سند تحول قوه قضائیه، دومین مانع اجرای مأموریت احیای حقوق عامه، عدم گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع است که در سند تحول نسبت به «محدودکردن سلیقه‌ای برخی از آزادی‌های مشروع» پرداخته شده است. پنج عامل ایجاد مانع که در سند تحول بیان شده، عبارت است: «ضمانت ناکافی صیانت از آزادی‌های مشروع»، «ابهام در قواعد حاکم بر برگزاری تجمعات»، «حمایت ناکافی از آزادی بیان»، «تضییع حقوق برخی از متهمان» و «کم‌توجهی به اجرای قانون جرم سیاسی». لذا مسیر اصلی که برای رفع مشکل کم‌توجهی به اجرای قانون جرم سیاسی در سند تحول در نظر گرفته شده است، «ایجاد رویه واحد در رسیدگی به جرائم سیاسی» است.

گزارش

بودجه ۳ میلیارد یورویی برای انسداد مرزهای شرق کشور

شرق: طرح انسداد مرزهای شرقی کشور با هدف ارتقای امنیت این مرزها و تخصیص سه میلیارد یورو آغاز شده است. به گزارش ایسنا، امیر سرتیپ کیومرث حیدری، فرمانده نیروی زمینی ارتش، چند روز قبل از روند اجرای طرح انسداد مرزی در مرزهای شمال شرق کشور بازدید کرد. او در این بازدید با اشاره به اینکه «انسداد مرزی در مرزهای شمال شرق کشور فقط به جهت حفظ و حراست از مرزهای جمهوری اسلامی ایران است»، گفت: «برای تمامی کشورهای همسایه احترام ویژه‌ای قائل هستیم، اما اینکه پروژه انسداد مرزی را در این منطقه از کشور آغاز کرده‌ایم، به خاطر امنیت‌بخشی مرزهای کشور است».

راهبری طرح انسداد مرزی در شرق کشور بر عهده ستاد کل نیروهای مسلح است که با هدف مقابله با ناامنی مرزی، جلوگیری از قاچاق سلاح، مواد مخدر و انسان در حال اجراست. برای اجرای این طرح، تقسیم کاری بین ارتش، سپاه، مرزبانی و فراجا انجام شده است. یکی از مشکلات مرزهای شرقی کشور، گستردگی مرزها و ناتوانی افغانستان و پاکستان برای کنترل مرزهای مشترک خود با ایران است که همین عامل موجب تردد اتباع غیرمجاز و گروه‌های تروریستی به کشور می‌شود. احمد وحیدی، وزیر کشور، گفته است: یکی از مشکلات ما این است که اتباع غیرمجاز را از کشور خارج می‌کنیم اما آنها بعد از مدتی از سایر نقاط مرزی دوباره به صورت غیرمجاز به کشورمان بازمی‌گردند. نبود کنترل‌های مؤثر توسط پاکستان در مرزهای مشترک خود با ایران نیز موجب شده بارها گروه‌های تروریستی از این کشور وارد ایران شده و علیه نیروهای امنیتی کشورمان عملیات انجام دهند. البته در سفر اخیر رئیس‌جمهور به پاکستان، مقامات این کشور بر همکاری بیشتر با تهران برای مقابله با تروریست‌ها و تأمین امنیت مرزها تأکید کرده‌اند.

بر اساس گفته سیدمجید میراحمدی، معاون سیاسی-امنیتی وزارت کشور، بودجه این طرح که با دستور رئیس‌جمهور اختصاص یافته است، سه میلیارد یورو برای پنج سال است. اجرای این طرح از سال ۱۴۰۲شروع و بخش مهمی از این طرح بر عهده نیروی زمینی ارتش گذاشته شده است. امیر حیدری، فرمانده نیروی زمینی ارتش، در این زمینه گفت: «انسداد مرز شرق کشور را در قرارگاهی به نام قرارگاه انسداد مرز که زیرمجموعه قرارگاه منطقه‌ای شمال شرق نیروی زمینی است، با قدرت شروع کرده‌ایم».

امیر سرتیپ رضا آذریان، فرمانده قرارگاه منطقه‌ای شمال شرق نیروی زمینی ارتش نیز اظهار کرد: «انسداد مرز در شرق کشور را از سال گذشته شروع کرده‌ایم و با قدرت و شدت در حال انجام است». امیر سرتیپ دوم احمد اکبری، فرمانده گروه ۴۴۴ مهندسی رزمی و پدافند غیرعامل شمال شرق نیروی زمینی ارتش هم در این زمینه بیان کرد: «پروژه انسداد مرزی از اردیبهشت ۱۴۰۲ آغاز شده که در فاز اول اجرائی به طول ۷۴ کیلومتر از مرز دوغارون آغاز و تا مرزهای شهرستان خواف ادامه دارد». البته قرار نیست در طول همه مرزهای شرقی دیوار احداث شود، بلکه امنیت مرزهای مشترک با افغانستان و پاکستان به وسیله ابزارهای مختلفی کنترل خواهد شد. امیر آشتیانی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، درباره چگونگی ایجاد انسداد مرزی پیش از این به ایسنا گفته بود: «در این طرح، فقط مسئله کشیدن دیوار نیست، بلکه در مناطق مرزی برنامه‌های زیادی داریم که شامل ایجاد موانع، استفاده از تجهیزات نوین و دوربین‌های پیشرفته، بالگردها، پهپادها، ریزپرنده‌ها و امکانات مخابراتی و تسلیحاتی است».